

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه مترجم
۵	یادداشت مترجم درباره چاپ ششم
۶	پیشگفتار مؤلف
بخش اول	
۱۱	فصل اول: نفوذ اصالت منطق در فلسفه
۳۳	فصل دوم: تأثیر اصالت علم کلام در فلسفه
۵۷	فصل سوم: راه شک
۸۱	فصل چهارم: فروپاشی فلسفه قرون وسطی
بخش دوم	
۱۰۷	فصل پنجم: اصالت ریاضیات دکارت
۱۲۸	فصل ششم: اصالت روح در فلسفه دکارت
۱۴۷	فصل هفتم: ایده آلیسم دکارت
۱۶۳	فصل هشتم: فروپاشی مکتب دکارت
بخش سوم	
۱۸۱	فصل نهم: اصالت فیزیک کانت
۲۰۰	فصل دهم: اصالت جامعه‌شناسی اوگوست کنت
۲۱۸	فصل یازدهم: فروپاشی فلسفه جدید
بخش چهارم	
۲۳۹	فصل دوازدهم: ماهیت و وحدت تجربه فلسفی
۲۵۷	مآخذ
۲۶۶	فهرست اعلام

مقدمه مترجم

گزارش کوتاهی از زندگی مؤلف

اتین ژیلسون^۱ فیلسوف فرانسوی، از پیروان تومیسم جدید، در سال ۱۸۸۴ در پاریس به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۹ درگذشت، تعلیمات عالیہ را در دانشگاه پاریس گذراند و در ۱۹۱۳ پس از آن که چند سال بود تدریس می‌کرد دکترا گرفت. از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۶ با درجه افسری در ارتش فرانسه خدمت کرد و در وردون اسیر و از ۱۹۱۶ تا ۱۹۱۸ زندانی شد، دو سال در دانشگاه استراسبورگ استاد فلسفه بود و از ۱۹۲۱ در سربن استاد تاریخ فلسفه قرون وسطی شد و تا سال ۱۹۳۲ - که کرسی تاریخ فلسفه قرون وسطی را در کلژدوفرانس پذیرفت - در این سمت باقی بود. در سال ۱۹۲۹ انجمن کشیشان سنت‌بازیل تورونتو از مردم برای تأسیس مؤسسه تحقیقات قرون وسطایی دعوت کرد و ژیلسون در این دعوت با آنها همکاری داشت و از همان آغاز تأسیس، استاد و مدیر این مؤسسه شد. همچنین خود وی مراکز تحقیقی دیگری را تأسیس و اداره کرده است.

دانشگاهها و مراکز علمی معتبری از ژیلسون برای تدریس و دادن کنفرانس دعوت کرده‌اند و حاصل این کنفرانسها کتب سودمندی است که انتشار یافته است. دروس دانشگاه آبردین (۳۱-۱۹۳۰) زیر عنوان «روح فلسفه قرون وسطی»، کنفرانس دانشگاه هاروارد (۳۷-۱۹۳۶) به نام «وحدت تجربه فلسفی» (همین کتاب حاضر که به علت ابهامی که این نام برای فارسی‌زبانان داشت آن را تغییر دادیم)، دروس دانشگاه ویرجینیا (۱۹۳۷) به اسم «عقل و وحی قرون وسطی» کنفرانسهای

1. Etienne Gilson

دانشگاه ایندیانا (۱۹۴۰) با عنوان «خدا و فلسفه» و کنفرانسهای مربوط به هنرهای زیبا (۱۹۵۵) به نام «تصویر و واقعیت» منتشر شده است.

* * *

ژیلسون به پیشنهاد یکی از فضیلاهای یهود نخست به پژوهش پیرامون پیوند فلسفه دکارت با فلسفه اسکولاستیک پرداخت و از آنجا به تحقیق در فلسفه سنت توماس کشانیده شد و دریافت که نتایج فلسفی دکارت فقط در ارتباط با مابعدالطبیعه سنت توماس معنی خواهد داشت و سپس با تعمق بیشتر در فلسفه سنت توماس و سایر متفکران قرون وسطی، از او گوستین گرفته تا اکام، به دست آورد که مکتبهای مختلف کلامی فلسفه مشترکی نداشته‌اند بلکه در آنها از فلسفه‌های گوناگون استفاده شده است.

ژیلسون هم، مانند سنت توماس معتقد است که فلسفه و کلام با هم فرق دارند اما با افتراق کلی آنها - آنطور که دکارت و پیروان اسکولاستیک جدید می‌گویند - مخالف است و آنها را در نهایت امر، یکی می‌داند.^۱

نظر کلی ژیلسون راجع به مسائل اساسی فلسفه در فصل آخر همین کتاب خواهد آمد، می‌توان گفت اساس تفکر وی در این مسائل نظیر آراء مشائین مسلمان است، زیرا او پیرو سنت توماس است و او هم پیرو ارسطو و مشاء است و از این طریق ثابت می‌کند که سرانجام میان عقل و وحی هماهنگی وجود دارد و به عبارت دیگر: هر دوی اینها جلوه‌های مختلف یک واقعیتند و هر یک به نحوی، حقیقت واحد را مکشوف می‌سازند.

اجمالی از محتوای کتاب

آراء فلسفی ژیلسون هر چه باشد، سعه معلومات و احاطه کامل وی به فلسفه و کلام و فرهنگ قرون وسطی و میزان همبستگی آنها با عصر رنسانس، مخصوصاً استنباطهای عمیق او از فلسفه دکارت و قدرت استخراج لوازم دقیق و نامرئی این فلسفه از درون

۱. نقل به اختصار از:

آن، چیزی است که برای ما بسیار سودمند و تحسین‌برانگیز است. او کتاب را از بحث به ظاهر بی‌حاصل و خشک و کاملاً انتزاعی «کلیات» آغاز و سپس چگونگی سیر بحث را در فصل اول باز می‌کند. شاید این فصل برای کسی که رشته‌اش فلسفه نیست چندان خوشایند نباشد و حتی لازم باشد اندکی حوصله به خرج دهد اما مطمئن باشد که فصول بعد آن را جبران خواهد کرد. در فصل دوم از مداخله نابجای اهل کلام در مسائل فلسفی و سعی ایشان در بی‌اعتبار نشان دادن آنها بحث کرده و عواقب سوء این مداخله را به خوبی نشان داده است. در فصل سوم از تأثیر اصحاب تسمیه، مخصوصاً اکام، در مسائل فلسفی بحث و اثبات شده است که چگونه این مکتب راه را برای شکاکیت هموار ساخت. فصل چهارم نشان می‌دهد که این جریان‌ات چگونه به بی‌اعتبار شدن و از کار افتادن فلسفه قرون وسطی منتهی گردید.

فصل چهارم تا هشتم کتاب بحث مشبعی است پیرامون فلسفه دکارت، میزان بهره‌گیری و اثرپذیری وی از اسکولاستیک و نیز تأثیر وی در فلاسفه آینده، شاید این تفصیل به جهت اهمیت موضوع باشد و شاید هم برای این باشد که رشته تخصصی مؤلف، فلسفه دکارت و رابطه آن با قرون وسطی است البته در فصل ۷ و ۸ چگونگی پیدایش فلسفه مالبرانش، بارکلی و لاک از فلسفه دکارت، و پیدایش فلسفه هیوم از فلسفه اینها نیز به خوبی باز نموده شده است. در فصل نهم روشن می‌شود که کانت چگونه تحت تأثیر هیوم واقع شده است و نیز اصالت اخلاق روسو و فیزیک نیوتن چه اندازه در وی تأثیر نهاده است. بحث کوتاهی هم از هگل و اضطراب وی در تبعیت از کانت به میان آمده است اما به‌طور کلی ژیلسون در این فصل فقط امهات مسائل را مطرح ساخته و به تفصیل نپرداخته است. فصل دهم اختصاص به نقد و تحلیل افکار اوگوست کنت و فلسفه تحصیلی یا علمی دارد و در آن نتایج زیانبار این فلسفه آشکار شده است. فصل یازدهم بررسی اجمالی است از علل انحطاط و سیر نزولی فلسفه جدید و عواقب آن تا اوائل قرن بیستم. در همه این فصول همبستگی و پیوند مطالب محفوظ و پدید آمدن مراحل بعدی از قبلی به خوبی مشهود است. و فصل دوازدهم - چنان‌که اشاره شد - بیان اجمالی از کلیات

مسائل وجود است که اساس و موضوع تمام فلسفه‌ها و رشته وحدتی است که همه آنها را به هم می‌پیوندد و عنوان متن کتاب هم اشاره به همین وحدت است. به عقیده مؤلف انحراف از این مسائل در حقیقت به معنی از دست دادن موضوع بحث و گم کردن «کلید حل معما» است و همین است که مایه آن همه سرگشتگی و حیرت فلاسفه و اهل کلام گردیده است.

ترجمه کتاب

متن انگلیسی این کتاب از چندین سال پیش تاکنون در دوره فوق‌لیسانس فلسفه دانشگاه تهران، تدریس شده است و از همین جا می‌توان دریافت که مطالب آن نسبتاً سنگین است و کسانی که آشنایی کمتری با فلسفه دارند باید دقت بیشتری به خرج دهند. مترجم کوشیده است تا در حد بضاعت مزجاة خود مقصود مؤلف را به صورتی قابل فهم عرضه کند و بعد از ترجمه هم استاد محترم جناب آقای بزرگمهر که در طول این چندین سال آن را تدریس کرده‌اند با بزرگواری مخصوص، ترجمه را از نظر گذراندند، از محبتی که ابراز فرمودند سپاسگزارم.

احمد احمدی

اول صفر ۱۳۹۸ ه. ق

یادداشت مترجم دربارهٔ چاپ ششم

اقبالی که از زمان انتشار این ترجمه تاکنون بعمل آمد، نشان بارزی است از اصالت و کارآئی آن برای استادان، طلاب و دانشجویان سطوح مختلف رشته فلسفه و بخواست خدا در آینده هم مورد استفاده آنان خواهد بود و اکنون که به یاری خداوند، به چاپ ششم می‌رسد لازم است از مدیر محترم مؤسسه انتشارات حکمت جناب استاد دکتر حسین غفّاری که با کرامت و بزرگواری در انتقال این کتاب به سازمان سمت، همکاری کردند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

مترجم ۱۳۸۰/۴/۳۱

پیشگفتار مؤلف

آن قدر که تاریخ فلسفه جزء فلسفه است تاریخ علم جزء علم نیست، زیرا بدون آگاهی زیاد از تاریخ علم هم می توان دانشمند شایسته ای شد، اما، اگر کسی اول مطالعاتی در تاریخ فلسفه نداشته باشد از تحقیقات فلسفی خویش چندان طرفی نخواهد بست. در واقع، کتاب اول از «مابعدالطبیعه» ارسطو هم اولین تاریخ فلسفه یونانی است که می شناسیم و همچنان نمونه کاملی خواهد بود برای این که تاریخ فلسفه را چگونه باید نوشت زیرا این کتاب در واقع تاریخ فلسفه است با شیوه فلسفی، در صورتی که تاریخ فلسفه های کاملاً جدید با شیوه غیرفلسفی نگارش یافته اند. اگر ثابت نشود که فلسفه در نهاد و ذات خود معقول و قابل فهم است، سلسله پایان ناپذیر سیستمهای ویرانگری که از تالس تا مارکس ادامه دارد بیش از آن که منشأ امید باشد مایه یأس و ناامیدی است.

غرض اصلی و قلمرو کتاب حاضر این است که ثابت کنیم تاریخ فلسفه معنای فلسفی دارد و همچنین معلوم کنیم که معنای تاریخ فلسفه، از لحاظ خود ماهیت معرفت فلسفی چیست. به همین دلیل نباید تصور کرد که آراء گوناگون و همچنین اجزاء خاصی از این آراء، که در این مجلد از آنها بحث کرده ام قطعات پراکنده ای است که از بعضی گزارشهای تلخیص شده در باب فلسفه قرون وسطی و عصر جدید به صورت گزافی و بدون دلیل انتخاب شده است، بلکه باید آنها را یک رشته تجارب فلسفی عینی دانست که مخصوصاً به علت اهمیت جزمی^۱ بودنشان انتخاب شده اند.

۱. dogmatic، بدون دلیل، پذیرفته شده از روی تقلید، تعبدی، گزافی. م.

هر کدام از این آراء، حاکی از تلاش خاصی است که به عمل آمده است تا معرفت فلسفی با شیوه مخصوصی مورد بحث قرار گیرد و همه آنها روی هم عبارتند از تجربه فلسفی. این که همه این تجارب به یک نتیجه منتهی شده است، امیدوارم نتیجه عام تحلیل زیر را توجیه کند و آن این است که تجربه‌ای به طول اعصار و قرون از ماهیت معرفت فلسفی وجود دارد و این تجربه از وحدتی چشمگیر حکایت می‌کند.

عقائد اصلی که شالوده این کتاب قرار گرفته است به صورتی ژرف، ریشه در گذشته فلسفی مؤلف دارد. با این همه اگر ترس از نقصان شدید حدنصاب یک کنفرانس معروف، باعث نمی‌شد که یک استاد تاریخ فلسفه قرون وسطی به زمینه فلسفی گام نهد، شاید این آراء هرگز منتشر نمی‌شد. بنابراین از بخش فلسفه دانشگاه هاروارد سپاسگزارم که درسی را که غرض از آن تجلیل به یادبود ویلیام جیمس است کریمانه به من واگذار کرد. القاء این کنفرانس به هر انگیزه‌ای باشد، انتخاب انگیزه‌ها دست کم نشان می‌دهد که ویلیام جیمس در نامه‌ای که به سال ۱۹۱۰ به ج. ه. پالمر نوشت چگونه روح فلسفی دانشگاه هاروارد را به دقت توصیف می‌کند. می‌گوید: فکر می‌کنم در بخش فلسفه که هر کسی هم در زمینه عملی و هم نظری یک رشته افکار مخصوص به خویش دارد که تراوش خصیصه تغییرناپذیر او است، آنچه برای همه ما خوشایند است این است که یکدیگر را سخت محترم بشماریم و برای این که ذهن دانشجویان را از آن چیزی که احتمالاً حقیقت عینی است اشباع کنیم، با همدیگر همکاری و هماهنگی کامل داشته باشیم. به هر حال این آزادیخواهی حقیقی خلاف جزم تقلیدی است. آنچه در مورد هاروارد جیمس^۱، رویس^۲ و پالمر^۳ صادق بود به طریق اولی در مورد هاروارد پری^۴، وایتهد^۵، هوکینگ^۶، لویس^۷ و شفر^۸ نیز صادق است. آنگاه که نداشتن جزم تقلیدی به صورتی

-
1. James
 2. Royce
 3. Palmer
 4. Perry
 5. Whitehead
 6. Hocking
 7. Lewis
 8. Sheffer

کاملاً شرافتمندانه جلوه کند تا حتی به جزم تقلیدی هم خوشامد گوید، آشکارا به اوج کمال خود رسیده است. این کتاب مجموعه درسها یا کنفرانسهایی است که در نیمه اول سال تحصیلی ۱۹۳۶-۳۷ در دانشگاه هاروارد داده شده است. مخصوصاً از دوستانم رالف بارتن پری^۱ استاد دانشگاه هاروارد و از عالیجناب جerald B. Phelan^۲ رئیس مؤسسه تحقیقات قرون وسطایی (تورونتو) که هر دو دستنویس این کتاب را خواندند و اصلاحات لفظی و معنوی در آن به عمل آوردند، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از دانیل س. والش استاد کالج من هاتان ویل، نیویورک سیتی و دانشگاه کلمبیا تشکر می‌کنم. او نه تنها دستنویس کتاب را ملاحظه کرد و نظرهای مفیدی راجع به تنقیح عبارتها داد بلکه نمونه‌های غلط‌گیری چاپخانه را هم از نظر گذراند.

اتین ژیلسون

مؤسسه تحقیقات قرون وسطایی

تورونتو، کانادا

۲۲ نوامبر ۱۹۳۷

1. Ralph Bartonperry
2. Gerald B. Phelan